

## سنجش سرمایه فرهنگی طبقات براساس پایگاه اقتصادی - اجتماعی (مطالعه موردی شهروندان اصفهانی)

سحر فائق \*

بهمن باینگانی \*\*

### چکیده

موضوع مطالعه حاضر سنجش سرمایه فرهنگی طبقات براساس پایگاه اقتصادی - اجتماعی در میان شهروندان اصفهانی است. رویکرد نظری این پژوهش بر ترکیبی از نظریه پیر بوردیو و ماکس وبر استوار شده است. به لحاظ روش‌شناسی، در مطالعه حاضر روش تحقیق پیمایشی است و به منظور جمع‌آوری اطلاعات نیز از روش پرسش‌نامه بهره‌گرفته شده است. نمونه تحقیق حاضر ۴۰۰ نفر از شهروندان ۲۰-۶۴ ساله شهر اصفهان در چهارده منطقه شهری در سال ۱۳۹۳ است که به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب شده‌اند. به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها نیز تحلیل واریانس یک‌طرفه، ضریب اتا، و رگرسیون چندمتغیره استفاده شده است. در سطح توصیفی نتایج نشان داد که بیش‌تر شهروندان در طبقه متوسط قرار دارند و میزان سرمایه فرهنگی و ابعاد آن در میان طبقات متفاوت است، به طوری که، کم‌ترین میانگین مربوط به طبقه پایین و سپس طبقه متوسط و بیش‌ترین آن مربوط به طبقه بالاست. در سطح تحلیلی نیز یافته‌ها نشان داد که پایگاه اقتصادی - اجتماعی با سرمایه فرهنگی رابطه معناداری دارد و از میان ابعاد آن بیش‌ترین نقش تبیین‌کنندگی را سرمایه فرهنگی نهادینه‌شده ایفا می‌کند.

**کلیدواژه‌ها:** سرمایه فرهنگی، طبقه، میدان، عادت‌واره، پایگاه اقتصادی - اجتماعی.

---

\* دکترای جامعه‌شناسی فرهنگی، دانشگاه آزاد اسلامی - واحد علوم و تحقیقات، باشگاه پژوهش‌گران جوان و نخبگان، تهران - ایران (نویسنده مسئول)، s.faeghi@gmail.com

\*\* استادیار گروه علوم اجتماعی، واحد سنندج، دانشگاه آزاد اسلامی، سنندج، ایران  
bahman.bayangani@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۲/۰۶، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۶/۱۴

## ۱. مقدمه

از چند دهه قبل تغییری انقلابی در مفهوم سرمایه به وجود آمده و مفهوم سرمایه‌های جدید مطرح شده است. به طوری که، مفهوم سرمایه به عرصه‌های گوناگونی مثل مدیریت دانش، فناوری اطلاعات، ساختار، شبکه‌های اجتماعی و منابع نهفته در شبکه‌ها، گردش اطلاعات، قابلیت‌ها، مهارت‌ها، و دانش کارگران نیز گسترش یافته است (Storberg, 2002: 409). یکی از معروف‌ترین این سرمایه‌های جدید که امروزه بسیار از آن سخن گفته می‌شود سرمایه فرهنگی است.

به علت اهمیت و گستردگی نقش این نوع سرمایه، بسیاری از تحلیل‌گران و نظریه‌پردازان اجتماعی از آن به مثابه منبع بسیار مهمی در تعیین ساختار اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، و سیاسی یاد کرده‌اند (نادعلی، ۱۳۸۷). این نوع سرمایه در معنایی اقتصادی می‌تواند ابزاری برای بازنمایی فرهنگ با این امکان فراهم کند که جلوه‌های ملموس و ناملموس فرهنگ را به صورت ذخایر بادوام ارزش و تأمین‌کننده منافع افراد و گروه‌ها در نظر بگیریم (تراسبی، ۱۳۸۷: ۶۷-۶۸)؛ اگرچه اندیشمندان متعدد از جمله دیوید تراسبی، پل دیماجیو، و بونی اریکسون (باینگانی و کاظمی، ۱۳۸۹) به تشریح سرمایه فرهنگی پرداخته‌اند، اما هم‌چنان مهم‌ترین تعریف و استفاده از سرمایه فرهنگی متعلق به پی‌یر بوردیو است. وی در مقام مبدع مفهوم سرمایه فرهنگی رویکردی نخبه‌گرایانه به فرهنگ دارد (Lizardo, 2011: 2) و در نتیجه سرمایه فرهنگی را شناخت و درک فرهنگ و هنرهای متعالی، داشتن ذائقه خوب، و شیوه‌های عمل متناسب می‌داند (باینگانی و کاظمی، ۱۳۸۹: ۸). آنچه درباره بوردیو اهمیت دارد استفاده‌ای است که او از این مفهوم در دستگاه نظری خود در باب طبقات به عمل می‌آورد. بوردیو نه تنها از سرمایه فرهنگی طبقات گوناگون سخن می‌گوید، بلکه نشان می‌دهد که این طبقات چگونه با استفاده از این نوع سرمایه به بازتولید خود می‌پردازند (شامپاین، ۱۳۹۱).

طبقه و تحلیل طبقاتی یکی از شیوه‌های تحلیل نابرابری است؛ گرچه عمر مفهوم طبقه به پیش از کارل مارکس برمی‌گردد (کالینیکوس، ۱۳۸۳)، اما تحلیل طبقاتی بیش از همه با مارکس شناخته می‌شود. برای مارکس طبقات گروه‌هایی از اشخاص‌اند که در سازمان تولید عملکرد خاصی دارند؛ یعنی با توجه به موقعیت خاص آن‌ها در نظم اقتصادی از یک‌دیگر متمایز می‌شوند. در ضمن تناقض‌هایی سیاسی نیز در تعیین این موقعیت‌ها ذی‌مدخل‌اند. این طبقات درگیر تضادی دائمی با یک‌دیگرند (اباذری و چاوشیان، ۱۳۸۲: ۷). در ادوار بعدی

نیز مارکسیست‌ها همین خط تحلیل را ادامه دادند و آن را با اوضاع جدید سازگار کردند، اما تحلیل مارکسیستی یگانه شیوه تحلیل نابرابری نیست. انواع دیگری از تحلیل نیز وجود دارند که به‌ویژه از تفکرات ماکس وبر، اندیشمند آلمانی، متأثرند. رویکرد وبر درباره قشربندی اجتماعی برپایه تحلیل مارکس بنا شده، اما وی آن را تا اندازه‌ای تغییر داده و تکمیل کرده است (گیدنز، ۱۳۸۳: ۲۲۴).

وبر معتقد است که اگرچه طبقه برپایه موقعیت اقتصادی به‌طور واقعی تعیین می‌شود، اما عوامل اقتصادی بیش‌تری از آن‌چه مارکس شناخته است در شکل‌گیری طبقه اهمیت دارند، به‌طوری که، علاوه بر طبقه پایگاه و حزب نیز در قشربندی تأثیر می‌گذارند (همان: ۲۲۴-۲۴۵). متفکران بعدی نیز الگوی تحلیل نابرابری خود را عمدتاً بر آثار مارکس و وبر بنا نهادند و هریک، با تأکید بر ابعادی از اندیشه این دو نفر، وجهه‌ای مارکسیستی یا وبری به آرای خود بخشیدند و درضمن نظریات این دو اندیشمند را بسط و توسعه دادند.

اما مسئله سرمایه فرهنگی و پایگاه اقتصادی - اجتماعی که مورد بررسی تحقیق حاضر است در واقع نمایان‌گر نوعی رابطه اجتماعی است که بازتولیدکننده سلطه است. در عمل، قشربندی اجتماعی بر نابرابری در ترکیبی از منابع مادی و غیرمادی مبتنی است و این امری است که در تحلیل‌های اقتصادی صرف به آن پرداخته نمی‌شود. در واقع امروزه و بعد از چرخش فرهنگی اعتقاد بر این است که اقتصاد از طریق فرهنگ عمل می‌کند (Preston, 2005؛ اسلیتر و تونکیس، ۱۳۸۶) و منابع فرهنگی از جهاتی فراتر از منابع اقتصادی بازتولید نابرابری‌اند، اما آن‌چه نخست در این تحقیق بررسی می‌شود نفس این رابطه است.

بر این اساس، با توجه به اهمیت سرمایه فرهنگی در زندگی معاصر و مخصوصاً نقش مهم آن در تعیین و بازتولید طبقات اجتماعی، هدف غایی پژوهش حاضر سنجش سرمایه فرهنگی بر اساس پایگاه اقتصادی - اجتماعی است؛ به عبارت دیگر هدف اصلی ما در این تحقیق بررسی این مسئله است که میزان سرمایه فرهنگی طبقات گوناگون (پایین، متوسط، و بالا) در بین شهروندان اصفهانی به چه میزان است؟ و هم‌چنین پایگاه اقتصادی - اجتماعی شهروندان اصفهانی تا چه اندازه با سرمایه فرهنگی طبقات ارتباط دارد؟

## ۲. مبانی نظری

به اعتقاد بوردیو (Bourdieu, 1984)، ساختار اجتماعی هر جامعه سرمایه‌داری پیشرفته‌ای همانند نوعی فضای اجتماعی پیچیده است که در آن اشکال متنوع سرمایه موقعیت‌های

اجتماعی را تعیین می‌کند و به‌گونه‌ای افقی و سلسله‌مراتبی متمایزند. بوردیو در مقاله «اشکال سرمایه» (Bourdieu, 1986a) از سه نوع سرمایه اصلی اقتصادی، اجتماعی، و فرهنگی نام می‌برد و برای آن‌ها ارزش بیشتری از دیگر سرمایه‌ها قائل می‌شود، اما در این میان در محافل جامعه‌شناختی از وی اغلب با عنوان «مرد سرمایه فرهنگی» یاد می‌شود ( Grenfell, 2004: 89). بوردیو این مفهوم را در اوایل دهه ۱۹۶۰ ابداع کرد تا نشان دهد که موانع اقتصادی برای تبیین نابرابری در موفقیت‌های آموزشی دانش‌آموزان طبقات اجتماعی گوناگون کافی نیست (وینگر و لیروا، ۱۳۹۳: ۴۸). به بیان دقیق‌تر او در کتاب *نظریه کنش هدف* از طرح مفهوم سرمایه فرهنگی را ارائه سازوکار پیچیده‌ای می‌داند که از طریق آن نهادهای آموزشی موجب بازتولید نحوه توزیع سرمایه فرهنگی می‌شوند (بوردیو، ۱۳۸۰).

نکته حائز اهمیت در اندیشه بوردیو راجع به انواع سرمایه آن است که اشکال گوناگون سرمایه قابل تبدیل به هم‌اند؛ اگرچه موانعی نیز در راه تبدیل این انواع سرمایه به یک‌دیگر وجود دارد (ممتاز، ۱۳۸۳؛ کروب، ۱۳۸۷). به‌علاوه از نظر بوردیو سرمایه فرهنگی در فضای اجتماعی معنا پیدا می‌کند. فضای اجتماعی موجودیتی غیریک‌پارچه است که در آن مدل‌های کوچک متمایزی از قاعده‌ها، مقررات، و اشکال قدرت وجود دارد (فاضلی، ۱۳۸۴: ۳۲). در فضای اجتماعی عاملان بیش‌تر برپایه شعور عملی رفتار می‌کنند تا محاسبه عقلانی یا حرکتی درونی با نیت عمدی. در نتیجه سلسله‌ای از تمایل‌ها، گرایش‌ها، و کنش‌های گوناگون به ذهن منتقل می‌شود که افراد از آن آگاه نیستند (توسلی، ۱۳۸۷: ۱۰۰). این تمایلات پایدار و طرح‌واره‌های ادراک و ارزش‌گذاری و کنش را بوردیو عادت‌واره می‌نامد. عادت‌واره به افراد امکان می‌دهد به محیط اجتماعی‌ای روی آورند که متعلق به آن‌هاست و عاداتی را بپذیرند که با تعلق اجتماعی آنان متناسب است (کوش، ۱۳۸۱: ۱۳۹) و این امر به‌معنای آن است که عادت‌واره در خلأ پدید نمی‌آید، بلکه رفتارهای عاملان همواره به‌واسطه امور درونی شکل می‌یابد که خود بازتاب ساختارهای بیرونی‌اند. این ساختارهای بیرونی همان شبکه‌های ارتباطی‌اند که فضای اجتماعی را برش می‌دهند. این شبکه‌های روابط که میان جایگاه‌های عینی قرار دارند و جدای از آگاهی و اراده فردی‌اند میدان نام دارند (ریترز، ۱۳۸۷: ۷۲۴). میدان‌ها مدل‌های کوچک متمایز درون فضای اجتماعی‌اند (فاضلی، ۱۳۸۲: ۶۸) و رفتارهای عاملان عموماً بیان‌گر بازاندیشانه رغبت‌ها، ظرفیت‌ها، و خصلت‌هایی‌اند که در میدان‌ها یا برای میدان‌ها شکل گرفته‌اند (فونتن و شویره، ۱۳۸۵: ۱۲۸) و به همین علت این رفتارها بیش‌تر نتیجه عقل عملی‌اند تا عقل نظری. میدان‌ها از درون براساس روابط قدرت ساخت می‌یابند (جنکینز، ۱۳۸۵: ۱۳۶) و همین امر باعث

می‌شود که هریک از میدان‌ها عقلانیت خاص خود را داشته باشد و عوامل آن را مجبور به مبادله بر مبنای این عقلانیت کند، اما مبادلاتی که در این میدان‌ها صورت می‌گیرد کنش اقتصادی معطوف به افزایش سود مادی یا سود نمادین است که در جریان مبادله کسب می‌شود (Bourdieu, 1977: 505-507). میدان از طریق عملکرد با عادت‌واره پیوند می‌یابد و بدین‌سان عادت‌واره با عملکرد (practice) ساخته می‌شود و در جهت کارکردهای عملی قرار می‌گیرد که در میدان ساخته می‌شوند (ریترز، ۱۳۸۷: ۷۲۴). این عملکردها برای دستیابی به انواع سرمایه صورت می‌گیرند (بورديو، ۱۳۸۴: ۱۳۳). می‌توان گفت سرمایه همان چیزی است که به میدان وجود می‌بخشد و سرمایه باید وجود داشته باشد تا کشاکش برای دستیابی به آن درون میدان رخ دهد. این کشاکش بنیان سلطه را در میدان شکل می‌دهد (استونز، ۱۳۷۹: ۳۵۵). بورديو، علاوه بر سرمایه اقتصادی، در سراسر آثار خود سه نوع دیگر سرمایه‌های اجتماعی، فرهنگی، و نمادین را نیز معرفی می‌کند (فونتن و شویره، ۱۳۸۵: ۹۸). در این میان به اعتقاد وی سرمایه فرهنگی از طریق منابعی چون پرورش خانوادگی، آموزش رسمی، و فرهنگ شغلی شکل می‌گیرد و می‌تواند تا حدی مستقل از دارایی‌های مادی عمل کند و حتی کمبود پول را جبران کند (فیلد، ۱۳۸۸: ۲۹).

بورديو در تعریف عملیاتی سرمایه فرهنگی آن را دارای سه بعد می‌داند که در بعد «تجسم‌یافته» به دانسته‌های افراد و آنچه به صورت توانایی‌های فردی در آن‌ها درونی شده است اشاره می‌کند؛ در بعد «عینیت‌یافته» مجموعه‌ای از میراث‌های فرهنگی مانند شاه‌کارهای هنری، فناوری‌های ماشینی، و قوانین علمی را مطرح می‌کند که به صورت کتب و اسناد و اشیا در تملک اختصاصی افراد و خانواده‌ها قرار دارند؛ و در بعد «نهادی» به کمک ضوابط اجتماعی و به دست آوردن عناوین برای افراد کسب موقعیت می‌کند (Bourdieu, 1986b: 243-245).

بورديو مفهوم سرمایه فرهنگی را بیش از همه در باب طبقات مهم می‌داند و در حالی که مارکس طبقه اجتماعی را بر اساس جایگاه فرد در روابط تولید تعریف می‌کند، بورديو آن را با مفهوم سرمایه تبیین می‌کند (شامپاین، ۱۳۹۱: ۳۲). از نظر بورديو در ارتباط میان سرمایه و طبقه سه بعد مؤثر است: میزان کلی سرمایه، ترکیب سرمایه، و بعد زمانی سرمایه (Weininger, 2005: 124). در واقع بورديو، با تعریف طبقات بر مبنای میزان و ترکیب سرمایه، امکانات گسترده‌تری را برای بررسی و نقد مفهوم سلطه در مقایسه با پیشینیان خود فراهم می‌آورد که صرفاً بر یک بعد (اقتصادی، فرهنگی، سیاسی، و اجتماعی) تأکید داشتند (فاضلی، ۱۳۸۴: ۳۴-۳۵). بر این اساس بورديو سه طبقه را از هم تشخیص می‌دهد؛ یعنی

طبقات مرفه، متوسط، و مردمی؛ اگرچه در هرکدام از این طبقات نیز با توجه به ترکیب سرمایه جناح‌های طبقاتی متفاوتی را تشخیص می‌دهد (شامپاین، ۱۳۹۱: ۳۳).

این نوع مشخص کردن طبقات و مخصوصاً اهمیت قائل شدن برای طبقه متوسط (خرده‌بورژوازی و انواع آن) بیش از پیش بورديو را از مارکس دور و به نظریه قشربندی وبر نزدیک می‌کند. از نظر وبر، گرچه طبقه و تحلیل طبقاتی هم‌چنان عوامل مهمی در بررسی نابرابری در جوامع جدیدند، اما طبقه فقط یکی از عوامل قشربندی است و ریشه قشربندی را به‌طور کلی باید در توزیع نابرابر قدرت جست‌وجو کرد و ریشه‌های قدرت را نیز باید در موقعیت طبقاتی، منزلتی، و حزبی افراد و گروه‌ها پیدا کرد (گورویچ، ۱۳۵۸: ۱۴۲). طبقات بر مبنای موقعیت طبقاتی زمانی شکل می‌گیرند که مجموعه‌ای از مردم در یک عنصر ویژه از فرصت‌های زندگی خود اشتراک داشته باشند تا آن‌جا که این عنصر ویژه صرفاً به‌واسطه منافع و علائق اقتصادی در تملک کالاها و فرصت‌های درآمدی در بازار کالا و کار تعیین شود (Weber, 1968: 21)، اما منزلت و وضعیت منزلتی از دیگر ریشه‌های قدرت‌اند. این وضعیت بستگی به ارزیابی دیگر اعضای جامعه از وضعیت و پایگاه گروه‌ها دارد. در واقع وبر از گروه‌های منزلت سخن راند و نه از منزلت به‌مثابه صفتی برای افراد و موقعیت‌ها (رنگ، ۱۳۸۱: ۶۲). طبقات به‌واسطه گروه‌های منزلتی دورن آن‌ها پدیده‌های یک‌دستی نیستند. در نهایت حزب اشاره به هر نوع تجمع داوطلبانه برای کسب کنترل در یک تشکیلات به‌منظور اجرای سیاست‌های خاص در آن تشکیلات دارد (Weber, 1968: 21)؛ گرچه وبر گروه‌های سیاسی به‌معنای خاص کلمه را در این تعریف مدنظر دارد و نه تمامی گروه‌هایی را که این تعریف مستعد دربرگرفتن آن‌هاست.

متفکران متأخر با بهره‌گیری از آرای وبر درصدد توسعه دستگاه‌های فکری آن‌ها برآمدند؛ متفکرانی نظیر گیدنز (۱۹۷۳)، پارکین (۱۹۷۹)، و دارندورف (۱۹۵۹) (به نقل از پناهی و امیدی، ۱۳۹۱) با بسط عناصری از چهارچوب‌های تحلیل‌های مارکس و وبر و با تأکید بیش‌تر بر نظریات وبر و پررنگ کردن بنیان‌های تحلیلی او مسئله نابرابری اجتماعی و قشربندی را بررسی کرده‌اند؛ گرچه، با وجود غنای این تحلیل‌ها، امکان پرداختن به تمامی آن‌ها در این مقاله وجود ندارد. در هر حال آنچه در تحقیق حاضر شاخص قشربندی در نظر گرفته شده است تفاوت در پایگاه اقتصادی - اجتماعی است. مبنای قرارداد این پایگاه چهارچوب بررسی قشربندی را به آرای وبر نزدیک‌تر می‌کند. اغلب تحلیل‌ها نیز پایگاه اقتصادی - اجتماعی را مبنای تحلیل خود قرار داده‌اند که در واقع عناصری از طبقه و منزلت را، که در نظریات وبر از عوامل اساسی قشربندی‌اند، در برمی‌گیرند (موقعیت حزبی که از

عوامل دیگر قشربندی است به علت مشکلات خاص سنجش آن در این پایگاه وارد نمی‌شود). ضمناً این چهارچوب به معنایی که بورديو از طبقه دارد نیز نزدیک است و از این رو برای هدف‌های تحلیلی تحقیق حاضر مناسب‌تر و کارآمدتر است.

### ۳. فرضیات پژوهش

#### ۱.۳ فرضیه کلی

میزان سرمایه فرهنگی در میان طبقات گوناگون شهروندان اصفهانی تفاوت معناداری دارد.

#### ۲.۳ فرضیات فرعی

- میزان سرمایه فرهنگی عینیت یافته در میان طبقات گوناگون شهروندان اصفهانی تفاوت معناداری دارد؛

- میزان سرمایه فرهنگی نهادینه شده در میان طبقات گوناگون شهروندان اصفهانی تفاوت معناداری دارد؛

- میزان سرمایه فرهنگی تجسم یافته در میان طبقات گوناگون شهروندان اصفهانی تفاوت معناداری دارد.

### ۴. روش شناسی

روش مورد استفاده در این پژوهش کمی و از نوع پیمایش بوده است. در این روش اطلاعات مورد نظر از یک جمعیت نمونه معرف گردآوری و نتایج به کل جامعه آماری تعمیم داده می‌شود (گال و همکاران، ۱۳۸۶: ۶۴۳). تجزیه و تحلیل اطلاعات در دو سطح آمار توصیفی و استنباطی انجام گرفت. در سطح آمار توصیفی و استنباطی از نرم افزار SPSS و برای آزمون مدل تجربی تحقیق (روایی سازه) از معادلات ساختاری با نرم افزار آماری AMOS استفاده شده است. در این پژوهش ابزار گردآوری اطلاعات یک پرسش نامه دویبخشی متشکل از اطلاعات جمعیت شناختی و سرمایه فرهنگی و ابعاد آن بوده است. به منظور سنجش سرمایه فرهنگی از پرسش نامه محقق ساخته استفاده شد. این پرسش نامه که پرسش نامه سنجش سرمایه فرهنگی نام گرفت از سه بعد اصلی و یازده مؤلفه تشکیل شده است.

## ۵. جامعه آماری و حجم نمونه

جامعه آماری این بررسی شهروندان زن و مرد ۲۰-۶۴ساله ساکن در چهارده منطقه شهرداری شهر اصفهان بوده که براساس آمار به دست آمده از مرکز آمار ایران در سال ۱۳۸۵ و برآورد آن در سال ۱۳۹۳ تعداد آن‌ها ۱۰۰۵۲۰۷ نفر گزارش شده است. حجم نمونه نیز برحسب فرمول کوکران ۳۸۴ نفر به دست آمد که به منظور جلوگیری از افت داده‌ها در جریان تحقیق و بالابردن دقت با توجه به واریانس جامعه آماری این رقم به ۴۰۰ نفر ارتقا یافت. پرسش‌نامه‌ها نیز به روش نمونه‌گیری چندمرحله‌ای و براساس نسبت سن و جنسیت در اختیار شهروندان نمونه قرار گرفت.

## ۶. تعاریف مفهومی و عملیاتی متغیرها

### ۱.۶ تعاریف مفهومی

#### ۱.۱.۶ سرمایه فرهنگی و ابعاد آن

براساس مبانی نظری، سرمایه فرهنگی بدین گونه تعریف شد: شناخت و درک فرهنگ و هنرهای متعالی و داشتن ذائقه خوب و شیوه‌های عمل متناسب (باینگانی و کاظمی، ۱۳۸۹: ۸)؛ درعین حال بوردیو معتقد بود که سرمایه فرهنگی به سه شکل وجود دارد؛ سرمایه فرهنگی در شکل تجسم یافته شایستگی و قابلیت یا توانایی‌هایی است که نمی‌توان آن را از «حاملش» (شخصی که آن مهارت‌ها و قابلیت‌ها را دارد) جدا کرد. هم‌چنین بوردیو ذکر می‌کند که اشیا نیز، تا آنجایی که استفاده از آن‌ها یا مصرف آن‌ها مستلزم داشتن میزان مشخصی از سرمایه فرهنگی است، می‌توانند به مثابه شکلی از سرمایه فرهنگی عمل کنند. برای نمونه، یک متن فلسفی صورتی «عینیت یافته» از سرمایه فرهنگی است، زیرا فهم آن مستلزم آموزش‌های قبلی در زمینه فلسفه است. درنهایت، در جوامعی با نظام‌های رسمی آموزشی سرمایه فرهنگی به شکلی «نهادینه شده» وجود دارد (وینگر و لیروا، ۱۳۹۳: ۴۸-۴۹).

#### ۲.۱.۶ پایگاه اقتصادی و اجتماعی

مفهوم پایگاه در تکوین نظریات جامعه‌شناختی دچار تحول شده است. ماکس وبر از نخستین کسانی بود که به این تغییر معنایی توجه کرد و کوشید تا مفهوم جدیدی از پایگاه ارائه دهد. به عقیده وی، پایگاه اجتماعی فرد تجلی قدرت او در عرصه اجتماعی



است (قاسمی و صمیم، ۱۳۸۷: ۸۸). وی معتقد بود که پایگاه اجتماعی فرد، هم‌راه با طبقه یا درآمد و قدرت سیاسی، بعد اصلی قشربندی اجتماعی را تشکیل می‌دهند. به عبارت دیگر اگر فرد پایگاه بالایی داشته باشد، ثروت نیز به دنبالش خواهد آمد (ملک، ۱۳۸۱: ۵).

## ۲.۶ تعاریف عملیاتی

در این جا، براساس مبانی نظری، ابعاد گوناگون سرمایه فرهنگی به صورت زیر عملیاتی شده‌اند:

### ۱.۲.۶ سرمایه فرهنگی تجسم یافته

بعد تجسم یافته سرمایه فرهنگی از طریق تمایل افراد به فعالیت در امور هنری و رخدادهای فرهنگی نظیر میزان آشنایی و علاقه‌مندی به فعالیت‌های فرهنگی - هنری از جمله موسیقی، خط و نقاشی، ورزش، بازدید از نمایشگاه‌های کتاب و نمایشگاه‌های فرهنگی - هنری، موزه‌ها، حضور در کلاس‌های زبان خارجی، تسلط به زبان‌های دیگر، و ... سنجیده شد (فائق، ۱۳۸۹).

### ۲.۲.۶ سرمایه فرهنگی عینیت یافته

بعد عینیت یافته سرمایه فرهنگی با سه مؤلفه ۱. داشتن وسایل و امکانات مانند اتاق مخصوص مطالعه، کتاب‌خانه شخصی، کامپیوتر، اینترنت، ماهواره، ادوات موسیقی، وسایل و تجهیزات ورزشی، دوربین‌های عکاسی و فیلم‌برداری، تعداد کتب در منزل غیر از کتب کمک‌درسی و آموزشی، و ...؛ ۲. خلق آثار فرهنگی به دست فرد در حوزه هنرهای تجسمی و دستی، هنرهای نمایشی، شعر و ادبیات، موسیقی، تألیفات، و ...؛ ۳. دسترسی و مصرف کالاهای فرهنگی مانند منابع آموزشی و کمک‌آموزشی در منزل شامل کتب کمک‌درسی و جزوات آموزشی، فیلم، دیسک‌ها، CD آموزشی و کمک‌آموزشی، و ... سنجیده شد (همان).

### ۳.۲.۶ سرمایه فرهنگی نهادینه شده

بعد نهادی سرمایه فرهنگی با شاخص‌هایی نظیر گواهی‌نامه‌های معتبر آموزشی و فرهنگی، مدارک تحصیلی، اسناد فرهنگی - هنری ثبت شده به نام فرد، و کارت‌های عضویت در مراکز و مؤسسات و نهادهای فرهنگی گوناگون سنجیده شد (همان).

## ۴.۲.۶ پایگاه اقتصادی - اجتماعی

براساس آنچه در بخش تعاریف مفهومی گفته شد، پایگاه هم جنبه‌های عینی و هم جنبه‌های ذهنی دارد (بیرو، ۱۳۷۰: ۳۸۱). بر این اساس در پژوهش حاضر پایگاه اقتصادی - اجتماعی افراد براساس شاخص‌هایی عینی مانند میزان درآمد، سطح تحصیلات، نوع منزل، منطقه مسکونی، و شاخص ذهنی تصور فرد درباره جایگاهش در قشربندی اجتماعی سنجیده شد. به عبارت دقیق‌تر، بعد عینی پایگاه اجتماعی از طریق مدرک تحصیلی فرد و والدینش در شش سطح زیردیپلم، دیپلم، کاردانی، کارشناسی، کارشناسی ارشد، و پزشکی عمومی و دکتری تخصصی و پزشکی متخصص و فوق تخصص و پایگاه اقتصادی از طریق میزان درآمد ماهیانه خانوار (کم‌تر از ۲۰۰ هزار تومان، بین ۲۰۰-۳۷۵ هزار تومان، ۳۷۵-۵۰۰ هزار تومان، ۵۰۰-۶۲۵ هزار تومان، ۶۲۵-۷۵۰ هزار تومان، و ۷۵۰-۱ میلیون تومان)، میزان پس‌انداز و هزینه در حکم متغیرهای کنترل درآمد، نوع منزل (مالکیت شخصی، رهن و استیجاری، و رایگان)، منطقه مسکونی (چهارده منطقه شهرداری شهر اصفهان)، ارزش‌گذاری وسیله نقلیه خانوادگی (۰-۲ میلیون تومان، ۲-۷ میلیون تومان، ۷-۱۲ میلیون تومان، ۱۲-۱۷ میلیون تومان، ۱۷-۲۲ میلیون تومان، ۲۲-۲۷ میلیون تومان، ۲۷-۳۲ میلیون تومان، و بالای ۳۲ میلیون تومان)، و بررسی حدود ارزش هر متر مربع محلات مناطق چهارده‌گانه شهرداری اصفهان و قراردادن آن‌ها در طیف از سوی کارشناس آماری سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان اصفهان بررسی شد. رتبه‌بندی پاسخ‌گویان در طبقه‌های خیلی بالا، بالا، متوسط، پایین، و خیلی پایین نیز به‌منظور سنجش بعد ذهنی شهروندان از پایگاه اقتصادی و اجتماعی‌شان مورد توجه واقع شد.

## ۷. بررسی ادبیات تجربی

ادبیات تجربی داخلی و خارجی نشان می‌دهد که هیچ مطالعه مشخصی با این عنوان انجام نشده است، اما در معدودی از تحقیقات رابطه بین سرمایه فرهنگی و عناصر آن با پایگاه اقتصادی - اجتماعی و عناصر آن بررسی شده که در ادامه به آن‌ها اشاره شده است:

پناهی و امیدی (۱۳۹۱) در مطالعه‌ای با عنوان «رابطه پایگاه اقتصادی - اجتماعی با سرمایه فرهنگی (نمونه موردی شهر تهران)» به این نتیجه رسیده‌اند که بین پایگاه اقتصادی - اجتماعی افراد با میزان سرمایه‌های فرهنگی آنان رابطه وجود دارد. علی‌بابایی و باینگانی (۱۳۸۹) در مطالعه‌ای با عنوان «بررسی میزان تأثیر سرمایه‌های اقتصادی و اجتماعی بر

سرمایه فرهنگی (مطالعه جوانان شهر پاوه)» به این نتیجه رسیده‌اند که از میان مؤلفه‌های گوناگون سرمایه اقتصادی مؤلفه برخورداری از وسایل رفاهی بیش‌ترین نقش تبیین‌کنندگی را در زمینه سرمایه فرهنگی دارد.

در تحقیقات خارج از کشور نیز اندرسون و هسن (Andersen and Hansen, 2011) در تحقیقی که میان پنج نسل از دانش‌آموزان نروژی انجام دادند به این نتیجه رسیدند که بین نابرابری اجتماعی و سرمایه فرهنگی رابطه وجود دارد. نتایج مطالعه داون (Dunn, 2008) نیز حاکی از آن بود که پایگاه اجتماعی و اقتصادی خانواده‌های هندی در موفقیت آموزشی کودکان تأثیر مثبت دارد. هم‌چنین نتایج مطالعه گنورگ (Georg, 2004) که میان افراد سنین ۱۶-۳۵ ساله آلمانی انجام شد نشان داد که بین نابرابری اجتماعی و سرمایه فرهنگی رابطه وجود دارد. هسن و ماستیکاسا (Hensen and Mastekaasa, 2006) نیز در مطالعه‌ای، که میان دانشگاه‌های نروژ در فاصله ۱۹۹۷-۲۰۰۳ انجام دادند، به این نتیجه رسیدند که بین خاستگاه طبقاتی و عملکرد دانشگاهی پاسخ‌گویان رابطه وجود دارد.

## ۸. اعتبار و پایایی

### ۱.۸ اعتبار صوری

در اعتبار صوری (یا ذهنی) این مسئله بررسی می‌شود که آیا ابزار سنجش موردنظر واقعاً مفهوم موردنظر را می‌سنجد یا نه؟ (بیکر، ۱۳۸۶: ۱۳۹). در این پژوهش نیز پرسش‌نامه مربوط به ابعاد گوناگون سرمایه فرهنگی به‌منظور بررسی و تعیین اعتبار صوری در اختیار اساتید، صاحب‌نظران، و کارشناسان قرار گرفت و بعد از دریافت دیدگاه‌ها اصلاحات ضروری انجام و پرسش‌نامه نهایی تنظیم و اجرا شد.

### ۲.۸ پایایی پرسش‌نامه

مفهوم پایایی با این امر سروکار دارد که ابزار اندازه‌گیری تا چه حد ویژگی‌های باثبات آزمودنی را می‌سنجد (گال و همکاران، ۱۳۸۶: ۴۳۱). در این پژوهش برای مشخص کردن پایایی پرسش‌نامه‌ها از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد و با توجه به نتایج برای گویه‌های مرتبط با سرمایه فرهنگی نهاده شده (۰/۸۷۱)، سرمایه فرهنگی عینیت‌یافته (۰/۸۳۴)، سرمایه فرهنگی تجسم‌یافته (۰/۸۹۲)، و سرمایه فرهنگی کل (۰/۸۱۵) می‌توان گفت میزان آلفای به‌دست آمده قابل قبول است.

## ۹. یافته‌های تحقیق

### ۱.۹ یافته‌های توصیفی

براساس نتایج توصیفی ۱۹۸ نفر (۴۹/۵٪) از پاسخ‌گویان مرد و ۲۰۲ نفر (۵۰/۵٪) از پاسخ‌گویان زن بودند. هم‌چنین، به‌لحاظ سنی، بیش‌ترین فراوانی را رده سنی ۳۵-۵۴ سال با ۲۵۵ نفر (۶۳/۸٪) و کم‌ترین فراوانی را رده سنی ۵۵-۶۴ سال با ۲۸ نفر (۷/۰٪) به خود اختصاص دادند.

شاخص‌های توصیفی مربوط به متغیرهای پایگاه اجتماعی - اقتصادی و سرمایه فرهنگی نیز محاسبه شده و نتایج در جداول زیر ارائه شده است.

جدول ۱. توزیع فراوانی پاسخ‌گویان برحسب پایگاه اقتصادی و اجتماعی

پایگاه اقتصادی و اجتماعی	فراوانی	درصد
پایین	۱۴۴	۳۶
متوسط	۱۹۲	۴۸
بالا	۶۴	۱۶
جمع	۴۰۰	۱۰۰

نتایج جدول فوق نشان می‌دهد که ۱۴۴ نفر (۳۶٪) از پاسخ‌گویان در طبقه پایین، ۱۹۲ نفر (۴۸٪) در طبقه متوسط، و ۶۴ نفر (۱۶٪) در طبقه بالا قرار دارند، درواقع بیش از سه‌چهارم پاسخ‌گویان در طبقه پایین و متوسط قرار دارند.

جدول ۲. شاخص‌های توصیفی متغیر سرمایه فرهنگی و ابعاد آن به تفکیک پایگاه اجتماعی - اقتصادی

عامل و ابعاد سرمایه فرهنگی	پایین میانگین	انحراف معیار	متوسط میانگین	انحراف معیار	بالا میانگین	انحراف معیار
عامل سرمایه فرهنگی	-۰/۷۹	۱/۸۹	۰/۱۱	۲/۱۵	۱/۴۳	۲/۴۹
سرمایه فرهنگی عینیت‌یافته	-۰/۸۶	۱/۵۸	۰/۱۵	۲/۱۷	۱/۴۸	۱/۲
سرمایه فرهنگی نهادینه‌شده	-۰/۱۲	۳/۲۹	-۰/۳۹	۳/۳۳	۱/۱۸	۴/۳۸
سرمایه فرهنگی تجسم‌یافته	-۰/۳۵	۰/۸۱	۰/۰۲	۰/۹۹	۰/۷۲	۱/۰۰

از جدول بالا نتایج زیر استنباط می‌شود:

برای عامل سرمایه فرهنگی بیشترین میانگین ۱/۴۳ در طبقه بالا و کمترین میانگین ۰/۷۹- در طبقه پایین، در بعد عینیت یافته سرمایه فرهنگی بیشترین میانگین ۱/۴۸ در طبقه بالا و کمترین میانگین ۰/۸۶- در طبقه پایین، در بعد نهادینه شده سرمایه فرهنگی بیشترین میانگین ۱/۱۸ در طبقه بالا و کمترین میانگین ۰/۳۹- در طبقه متوسط، و در بعد تجسم یافته سرمایه فرهنگی نیز بیشترین میانگین ۰/۷۲ در طبقه بالا و کمترین میانگین ۰/۳۵- در طبقه متوسط به دست آمده است.

## ۲.۹ تحلیل یافته‌ها

به منظور سنجش چهار فرضیه اصلی این تحقیق، که بررسی تفاوت معنادار در سطح سرمایه فرهنگی و ابعاد آن (بعد عینیت یافته، بعد نهادینه شده، و بعد تجسم یافته) در میان طبقات پایین، متوسط، و بالا بود، نیز از آنالیز واریانس یک طرفه استفاده شد.

جدول ۳. نتایج آزمون آنالیز واریانس یک طرفه در مقایسه سرمایه فرهنگی و ابعاد آن بر حسب طبقه بندی پایگاه اجتماعی - اقتصادی

متغیر وابسته	منابع تغییر	مجموع مجذورات	درجه آزادی	ضریب F	معناداری
سرمایه فرهنگی	برون گروهی	۵۰/۷۲	۲	۲۹/۰۱	۰/۰۰۰
	درون گروهی	۲۸۳۳۸	۳۸۷		
	کل	۳۸۹/۰۰	۳۸۹		
بعد عینیت یافته	برون گروهی	۲۲۳/۸۶	۲	۲۴/۹۲	۰/۰۰۰
	درون گروهی	۱۷۸۲/۹۵	۳۹۷		
	کل	۲۰۰۶/۸۱	۳۹۹		
بعد نهادینه شده	برون گروهی	۲۵۰/۷۴	۲	۳۲/۴۹	۰/۰۰۰
	درون گروهی	۱۵۳۱/۵۲	۳۹۷		
	کل	۱۷۸۲/۲۶	۳۹۹		
بعد تجسم یافته	برون گروهی	۱۱۸/۸۵	۲	۴/۸۳	۰/۰۰۹
	درون گروهی	۴۷۶۵/۱۳	۳۸۷		
	کل	۴۸۸۳/۹۷	۳۸۹		

با توجه به نتایج جدول ۳ و سطوح معناداری به دست آمده ( $p \leq 0/05$ )، تفاوت در سطح سرمایه فرهنگی و ابعاد آن در سه طبقه پایین، متوسط، و بالا معنادار است و بر این اساس چهار فرضیه این پژوهش تأیید می شود.

حال برای بررسی چگونگی این تفاوت در سطح سرمایه فرهنگی و ابعاد آن میان سه طبقه پایین، متوسط، و بالا از آزمون تعقیبی LSD استفاده شد.

جدول ۴. نتایج آزمون تعقیبی LSD

معناداری	تفاضل میانگین	گروه‌ها	متغیر وابسته
۰/۰۰۰	- ۰/۳۷	پایین - متوسط	سرمایه فرهنگی
۰/۰۰۰	- ۱/۰۷	پایین - بالا	
۰/۰۰۰	۰/۶۹	متوسط - بالا	
۰/۰۰۰	- ۰/۹	پایین - متوسط	سرمایه فرهنگی عینیت یافته
۰/۰۰۰	- ۲/۲۲	پایین - بالا	
۰/۰۰۰	- ۱/۳۲	متوسط - بالا	
۰/۰۰۰	- ۱/۰۱	پایین - متوسط	سرمایه فرهنگی نهادینه شده
۰/۰۰۰	- ۲/۳۴	پایین - بالا	
۰/۰۰۰	- ۱/۳۳	متوسط - بالا	
۰/۴۹	۰/۲۷	پایین - متوسط	سرمایه فرهنگی تجسم یافته
۰/۰۱۴	- ۱/۳	پایین - بالا	
۰/۰۰۲	- ۱/۵۷	متوسط - بالا	

از یافته‌های آزمون تعقیبی LSD نتایج ذیل استنباط می شود:

- اختلاف بین میانگین سرمایه فرهنگی در هر سه طبقه معنادار است؛ به طوری که کمترین میانگین مربوط به طبقه پایین، در جایگاه بعدی طبقه متوسط، و بیشترین میانگین مربوط به طبقه بالاست؛

- اختلاف بین میانگین بعد عینیت یافته در هر سه طبقه معنادار است؛ به طوری که کمترین میانگین مربوط به طبقه پایین، در جایگاه بعدی طبقه متوسط، و بیشترین میانگین مربوط به طبقه بالاست؛

- اختلاف بین میانگین بعد نهادینه شده در طبقات پایین و متوسط با طبقه بالا معنادار است؛ به طوری که میانگین طبقات پایین و متوسط کم تر از طبقه بالاست؛

- اختلاف بین میانگین بعد تجسم یافته در هر سه طبقه معنادار است؛ به طوری که کمترین میانگین مربوط به طبقه پایین، در جایگاه بعدی طبقه متوسط، و بیشترین میانگین مربوط به طبقه بالاست.

درباره تحلیل رگرسیون خطی ساده داده‌ها باید گفت که برای عامل سرمایه فرهنگی ضریب تعیین  $R^2 = 0/12$  مبین آن است که ۱۲٪ از واریانس سرمایه فرهنگی را پایگاه اجتماعی - اقتصادی تبیین می‌کند. برای بعد عینیت یافته سرمایه فرهنگی ضریب تعیین  $R^2 = 0/11$  مبین آن است که ۱۱٪ از واریانس بعد عینیت یافته سرمایه فرهنگی را پایگاه اجتماعی - اقتصادی تبیین می‌کند. برای بعد نهادینه شده سرمایه فرهنگی ضریب تعیین  $R^2 = 0/14$  مبین آن است که ۱۴٪ از واریانس بعد نهادینه شده سرمایه فرهنگی را پایگاه اجتماعی - اقتصادی تبیین می‌کند. برای بعد تجسم یافته سرمایه فرهنگی وجود رابطه خطی بین بعد تجسم یافته سرمایه فرهنگی و پایگاه اجتماعی - اقتصادی تأیید نمی‌شود.

جدول ۵. رگرسیون خطی برای تبیین سرمایه فرهنگی و ابعاد آن

متغیر وابسته	$R^2$	F	سطح معناداری
سرمایه فرهنگی	۰/۱۲	۵۵/۰۲	۰/۰۰۰
بعد عینیت یافته	۰/۱۱	۴۸/۹۷	۰/۰۰۰
بعد نهادینه شده	۰/۱۴	۶۴/۴۸	۰/۰۰۰
بعد تجسم یافته	۰/۰۰۹	۳/۴۲	۰/۰۶

جدول ۶. میزان ضرایب معادله رگرسیون خطی سرمایه فرهنگی و ابعاد آن

بعد نهادینه شده		بعد عینیت یافته		سرمایه فرهنگی		پایگاه اجتماعی - اقتصادی
Sig	$\beta$	sig	$\beta$	Sig	$\beta$	
۰/۰۰۰	۰/۳۷	۰/۰۰۰	۰/۳۳	۰/۰۰۰	۰/۳۵	

با توجه به سطوح معناداری به دست آمده ( $sig \leq 0/05$ )، پایگاه اجتماعی - اقتصادی در تبیین سرمایه فرهنگی و ابعاد آن، به غیر از بعد تجسم یافته، مؤثر بوده است؛ نتایج به شرح ذیل است:

- برای عامل سرمایه فرهنگی، با توجه به ضریب بتای به دست آمده، به ازای افزایش یک واحد نمره معیار پایگاه اجتماعی - اقتصادی سرمایه فرهنگی ۰/۳۵ نمره معیار افزایش می‌یابد؛

- برای بعد عینیت یافته سرمایه فرهنگی، با توجه به ضریب بتای به دست آمده، به ازای افزایش یک واحد نمره معیار پایگاه اجتماعی - اقتصادی بعد عینی ۰/۳۳ نمره معیار افزایش می یابد؛
- برای بعد نهادینه شده سرمایه فرهنگی، با توجه به ضریب بتای به دست آمده، به ازای افزایش یک واحد نمره معیار پایگاه اجتماعی - اقتصادی بعد نهادینه شده ۰/۳۷ نمره معیار افزایش می یابد.

### ۱۰. نتیجه گیری

در مقاله حاضر سرمایه فرهنگی در طبقات (پایین، متوسط، و بالا) براساس پایگاه اقتصادی - اجتماعی بررسی شد. برای قشر بندی از شاخص پایگاه اجتماعی - اقتصادی بهره بردیم که آشکارا با نظریه قشر بندی ماکس وبر هماهنگ است. درباره متغیر سرمایه فرهنگی نیز از چهارچوب نظری پیر بورديو استفاده شد. بورديو در ارائه نظریه طبقات اجتماعی خود سهم قابل توجهی را به سرمایه فرهنگی اختصاص داده است (شامپاین، ۱۳۹۱: ۳۳). از نظر او نظام های نمادین به طور هم زمان سه کارکرد مرتبط اما مجزا را انجام می دهند: شناخت، ارتباط، و تمایز اجتماعی (بورديو، ۱۳۹۳). در این معنای سوم، نظام های نمادین به مثابه ابزار سلطه عمل می کنند. نظام های نمادین مسلط سبب یک پارچگی گروه های مسلط (بالا) می شوند. آن ها همچنین مایه ایجاد تمایز و سلسله مراتب گروه های بالا می شوند و با ترغیب گروه های تحت سلطه به پذیرش سلسله مراتب موجود تمایز اجتماعی، به آن مشروعیت می بخشند. بنابراین طبقات بالای جامعه فقط امکانات اقتصادی را در اختیار ندارند، بلکه سرمایه های غیر اقتصادی و به ویژه سرمایه فرهنگی را نیز در اختیار دارند و بدان وسیله خود را از طبقات دیگر اجتماعی جدا می کنند.

نتیجه این نگاه به ویژه در مباحث مربوط به توسعه و یا عدالت اهمیت می یابد؛ چنان که امروزه توسعه از معنای محدود رشد اقتصادی صرف فراتر رفته است و توجه ویژه به دیگر سرمایه ها نیز در دستور کار توسعه دیده می شود. امروزه دیگر هدف توسعه ایجاد و حفظ شکل های گوناگون سرمایه (فیزیکی، انسانی، اجتماعی، زیست محیطی، و فرهنگی و نه صرفاً اقتصادی) است که در دستور کارهای گوناگون قرار گرفته است.

در این میان مفهوم عدالت نیز که با توسعه گره خورده است به کم کردن فاصله میان بخش ها و گروه های گوناگون اجتماعی نه تنها از نظر اقتصادی بلکه از جهات فرهنگی و ...



اشاره دارد، زیرا امروزه می‌دانیم که نابرابری شدید در توزیع سرمایه فرهنگی می‌تواند پیامدهای نامطلوبی را برای جامعه داشته باشد؛ از جمله محدودیت اکثر اعضای جامعه در دسترسی به منابع معرفتی، محدود شدن امکان بسط خردگرایی تعمیم‌یافته در عرصه‌های گوناگون زندگی اجتماعی، نزول سطح مشارکت همگانی مؤثر در تولیدات و خلاقیت‌های علمی و فرهنگی، محدودیت در گردش اطلاعات و جذب دانش‌های نوین، و کاهش ارزش تغییر در جامعه. در چنین اوضاعی تغییرپذیری در جامعه کاهش می‌یابد و تغییرات اجتماعی کند و نامعقول می‌شود و اکثریت افراد در تغییرات اجتماعی نقش پیرو را ایفا می‌کنند (پناهی و امیدی، ۱۳۹۱: ۵۸). بنابراین نابرابری‌ها در عرصه فرهنگی دقیقاً به اندازه نابرابری‌های اقتصادی اهمیت دارند و به عبارت دیگر هم‌صدا با پرستون (Preston, 2005) می‌توان گفت که در جوامع چندفرهنگی کنونی ابعاد مادی یا اقتصادی نابرابری بسیار کم‌تر از ابعاد فرهنگی یا سیاسی نابرابری اهمیت دارد.

نتایج تحقیق حاضر نیز هم‌سو با مباحث نظری نشان داد که اختلاف بین میانگین سرمایه فرهنگی در بین هر سه طبقه معنادار است؛ به طوری که کم‌ترین میانگین مربوط به طبقه پایین، در جایگاه بعدی طبقه متوسط، و بیش‌ترین میانگین مربوط به طبقه بالاست و پایگاه اجتماعی و اقتصادی نقش تبیین‌کنندگی مهمی در سرمایه فرهنگی و ابعاد عینیت‌یافته و نهادینه‌شده آن دارد. بر این اساس می‌توان گفت در میان شهروندان اصفهانی طبقه پایین هنوز در نابرابری شدیدی در مقایسه با بخش‌های متوسط و بالاتر از نظر مؤلفه‌های بعد عینیت‌یافته، تجسم‌یافته، و نهادینه‌شده سرمایه فرهنگی به سر می‌برد. درحالی که لایه‌هایی از بخش‌های میانی جامعه فاصله خود را با بخش بالایی کم کرده‌اند، اما طبقه پایین هم‌چنان در شرایط نامطلوبی به سر می‌برد.

به علاوه، یافته‌های تحقیق حاضر با مطالعات تجربی محققانی نظیر پناهی و امیدی (۱۳۹۱)، علی‌بابایی و باینگانی (۱۳۸۹)، اندرسون و هنسن (Andersen and Hansen, 2011)، داون (Dunn, 2008)، هنسن و ماستیکاسا (Hensen and Mastekaasa, 2006)، و گئورک (Georg, 2004) هم‌سو می‌باشد، که هر کدام به‌نوعی در مطالعاتشان نشان داده بودند که بین سرمایه فرهنگی و پایگاه اقتصادی و اجتماعی رابطه معنادار وجود دارد.

در پایان و با توجه به اهمیت امر فرهنگی در توسعه باید گفت که شکاف میان طبقات گوناگون به لحاظ سرمایه فرهنگی مسلماً مانعی اساسی در تحقق توسعه خواهد بود. در واقع بازتولید فرهنگ طبقات مسلط خدمت به تضمین سلطه مداوم آن‌ها و تداوم اعمال قدرت پنهان آن‌هاست. این بازتولید طبقاتی از نظر بوردیو باید از این منظر دیده شود که بازیگران

در تعقیب آگاهانه یا ناآگاهانه راهبردهای بازتولید اجتماعی اند و در واقع سعی دارند که با این راهبردها مواضع خود را در سازمان قشربندی حفظ کنند یا بهبود ببخشند. این راهبردها، همان گونه که پیش از این ذکر شد، شامل شیوه‌های سرمایه‌گذاری انواع گوناگون سرمایه برای حفظ یا ارتقای موقعیت‌ها در میدان‌ها می‌شود و به حجم و ترکیب کلی سرمایه‌ای که باید حفظ شود بستگی دارد. افرادی که این استراتژی‌ها را به کار می‌گیرند به دنبال متمایز کردن خود هستند و این تمایز طبقاتی به مثابه نشانه‌گذاری یک قلمرو مشروع فرهنگی وجود می‌یابد که عمدتاً خارج از دسترس و داوری‌های عامه مردم است. این تمایزات به واسطه آثاری که این تمایزات را بدیهی در نظر گرفته‌اند تحکیم می‌شوند (Lewis, 2001: 185) و در این جا آن چه می‌تواند راه‌گشا باشد نوعی نقد مداوم برای رهایی از شیء‌واره شدن روابط میان طبقات گوناگون جامعه و تغییر در حجم سرمایه آن‌ها خواهد بود. این راه‌کار از طریق اقدام دولت با مشارکت‌های گروه‌های گوناگون، به منظور پویایی فرهنگی و کم کردن نابرابری، امکان‌پذیر می‌شود. بدین ترتیب مسئله توزیع منابع در کنار ایجاد زیرساخت‌ها و آزادی لازم برای مردم مناطق گوناگون، به منظور تحقق آزادانه خود در قالب فعالیت‌های فرهنگی، اهمیت بسیار دارد. مردم باید از ابزارهای لازم بهره‌مند شوند تا بتوانند خرده‌فرهنگ‌ها و هم‌چنین رقابت برای کسب بالاترین میزان سرمایه فرهنگی در میدان فرهنگی مربوط به خود را به نمایش بگذارند و ارتقا ببخشند. فقط در چنین مواقعی است که با وجود میدان‌های قدرت نوعی نقد دائمی، ضمن به چالش کشیدن بنیان‌های سلطه، امکان نوعی هم‌زیستی مسالمت‌آمیز را فراهم می‌آورد.

### کتاب‌نامه

- اباذری، یوسف و حسن چاوشیان (۱۳۸۱). «از طبقه اجتماعی تا سبک زندگی؛ رویکردهای نوین در تحلیل جامعه‌شناختی هویت اجتماعی»، *نامه علوم اجتماعی*، ش ۲۰.
- اسلیتر، دن و فرن تونکیس (۱۳۸۶). *جامعه بازار: بازار و نظریه اجتماعی مدرن*، ترجمه حسن قاضیان، تهران: نشر نی.
- باینگانی، بهمن و علی کاظمی (۱۳۸۹). «بررسی مبانی تئوریک مفهوم سرمایه فرهنگی»، *فصل‌نامه مطالعات فرهنگی دانشگاه تهران: برگ فرهنگ*، ش ۲۱.
- بورديو، پیر (۱۳۸۰). *نظریه کنش: دلایل عملی و انتخاب عقلانی*، ترجمه مرتضی مردیها، تهران: نقش و نگار.
- بورديو، پیر (۱۳۸۴). *شکل‌های سرمایه در سرمایه اجتماعی: اعتماد، دموکراسی و توسعه*، گردآوری از کیان تاجبخش، ترجمه افشین خاکباز و حسن پویان، تهران: شیرازه.

## سحر فائق و بهمن باینگانی ۱۳۵

- بوردیو، پیر (۱۳۹۳). *تمایز: نقد اجتماعی قضاوت‌های ذوقی*، ترجمه حسن چاوشیان، تهران: ثالث.
- بیکر، ترز (۱۳۸۶). *نحوه انجام تحقیقات اجتماعی*، ترجمه هوشنگ نائی، تهران: نشر نی.
- بیرو، آلن (۱۳۷۰). *فرهنگ علوم اجتماعی*، ترجمه باقر ساروخانی، تهران: کیهان.
- پناهی، حسین و مهدی امیدی (۱۳۹۱). «رابطه پایگاه اقتصادی - اجتماعی با سرمایه فرهنگی (نمونه موردی شهر تهران)»، *فصلنامه تخصصی علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شوشتر*، س ۶، ش ۱۷.
- تراسی، دیوید (۱۳۸۷). *اقتصاد و فرهنگ*، ترجمه کاظم فرهادی، تهران: نشر نی.
- توسلی، غلامعباس (۱۳۸۷). *جامعه‌شناسی فرهنگی بوردیو: در مطالعات فرهنگی*، مصرف فرهنگی و زندگی روزمره در ایران، تهران: جهاد دانشگاهی.
- جنکینز، ریچارد (۱۳۸۵). *پی‌یر بوردیو*، ترجمه لیلا جوافشانی و حسن چاوشیان، تهران: نشر نی.
- رنگ، دنیس (۱۳۸۱). *مارکس وبر و جامعه‌شناسی معاصر در آینده بنیان‌گذاران جامعه‌شناسی*، گردآوری و ترجمه غلامعباس توسلی، تهران: قومس.
- ریتزر، جورج (۱۳۸۷). *نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر*، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: علمی.
- شامپاین، پاتریک (۱۳۹۱). *پیر بوردیو، مرور زندگی و آثار*، ترجمه ناهید مؤیدحکمت، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- علی‌بابایی، یحیی و بهمن باینگانی (۱۳۸۹). «بررسی میزان تأثیر سرمایه‌های اقتصادی و اجتماعی بر سرمایه فرهنگی (مطالعه جوانان شهرستان پاوه)»، *فصلنامه انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات*، س ۶، ش ۱۸.
- فاضلی، محمد (۱۳۸۲). *مصرف و سبک زندگی*، قم: صبح صادق.
- فاضلی، محمد (۱۳۸۴). «جامعه‌شناسی مصرف موسیقی»، *فصلنامه مطالعات فرهنگی و ارتباطات*، س ۱، ش ۴.
- فائق، سحر (۱۳۸۹). «رابطه بین سرمایه فرهنگی و اجتماعی در بین شهروندان شهر اصفهان»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اصفهان، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی.
- فونتن، اولیویه و کریستیان شویره (۱۳۸۵). *واژگان بوردیو*، ترجمه مرتضی کتبی، تهران: نشر نی.
- فیلد، جان (۱۳۸۸). *سرمایه اجتماعی*، ترجمه غلامرضا غفاری و حسین رمضانی، تهران: کویر.
- قاسمی، وحید و رضا صمیم (۱۳۸۷). «مطالعه‌ای پیرامون رابطه قشربندی اجتماعی و مصرف فرهنگی با استفاده از داده‌هایی در زمینه مصرف موسیقایی در شهر تهران»، *فصلنامه علمی - پژوهشی جامعه‌شناسی ایران*، دوره نهم، ش ۱ و ۲.
- کالینیکوس، الکس (۱۳۸۳). *درآمدی تاریخی بر نظریه اجتماعی*، ترجمه اکبر معصوم‌بیگی، تهران: آگاه.
- کروبی، مهدی (۱۳۸۷). «فرهنگ قومی، سرمایه فرهنگی و صنعت گردشگری»، *فصلنامه علمی - پژوهشی رفاه اجتماعی*، س ۷، ش ۲۸.

- کوش، دنی (۱۳۸۱). مفهوم فرهنگ در علوم اجتماعی، ترجمه فریدون وحید، تهران: سروش.
- گال، مردیت، والتر بورگ، و جویس گال (۱۳۸۶). روش‌های تحقیق کمی و کیفی در علوم تربیتی و روان‌شناسی، ترجمه احمدرضا نصرافهانی، ج ۱، تهران: سمت.
- گورویچ، ژرژ (۱۳۵۸). مطالعاتی درباره طبقات اجتماعی، ترجمه باقر پرهام، تهران: شرکت سهامی کتاب‌های جیبی.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۳). جامعه‌شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نشر نی.
- ملک، حسن (۱۳۸۱). جامعه‌شناسی قشرها و نابرابری‌های اجتماعی، تهران: دانشگاه پیام‌نور.
- ممتاز، فریده (۱۳۸۳). «معرفی مفهوم طبقه از دیدگاه بوردیو»، پژوهش‌نامه علوم انسانی، ش ۴۱ و ۴۲.
- نادعلی نجف‌آبادی، مریم (۱۳۸۷). «بررسی رابطه بین سرمایه فرهنگی و بردباری اجتماعی (مطالعه موردی شهر نجف‌آباد)»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه اصفهان.
- وینگر، الیوت و آنت لیروا (۱۳۹۳). «سرمایه فرهنگی و موفقیت تحصیلی»، ترجمه بهمن باینگانی و هیرو قاسمی معصوم، نشریه رشد آموزش علوم اجتماعی، دوره هفدهم، ش ۲.

- Andersen, Patrick Lie, and Marianne Nordli Hansen (2012). 'Class and Cultural Capital-The Case of Class Inequality in Educational Performance', *European Sociological Review*, 27(1).
- Bourdieu, Pierre (1977). 'Culture Reproduction and Social Reproduction', Jerome Karabel and A. Halsey (eds.), *Power and Ideology in Education*, New York: Oxford University Press.
- Bourdieu, Pierre (1984). *Distinction: A Social Critique of the Judgments of the Taste*, trans. Richards Nice, Cambridge, Massachusetts: Harvard University Press.
- Bourdieu, Pierre (1986a). 'The Form of Capital', in *Education: Culture, Economy, and Society*, A. Halsey, Hugh Lauder, Phillip Brown, and Amy Stuart Wells (ed.), Oxford: Oxford University Press.
- Bourdieu, Pierre (1986b). 'The Forms of Capital', in J. C Richardson (ed.), *Handbook of Theory and Research for the Sociology of Education*, New York: Greenwood Press.
- Dunn, Kestrel (2008). 'Cultural Capital, Socio-Economic Class, and Parental Involvement in Indian Children's Educational Experiences', *edul170*, Available in: <dkestrrel.com/KDunn\_IndianChildrenEducationExperiences.pdf>.
- Georg, Werner (2004). 'Cultural Capital and Social Inequality in life Course', *European Sociological Review*, 20(4).
- Grenfell, Michael (2004). *Pierre Bourdieu Agent Provocateur*, London: Continuum.
- Hensen, Marianne Nordli and Arne Mastekaasa (2006). 'Social Origins and Academic Performance at University', *European Sociological Review*, 22(3).
- Lewis, Justin (2001). 'Let's Get Serious: Notes on Teaching Youth Culture', in Miller Today (ed.), *A Companion to Cultural Studies*, Blackwell Publishers Ltd.
- Lizardo, Omar (2011). 'Pierre Bourdieu as a Post-cultural Theorist', *Journal of Cultural Sociology*, No. 5.

- Preston, Pascal (2005). 'The Cultural Turn Versus Economic Returns: The Production of Culture in an Information Age', Available in: <[www.theirelandinstitute.com/republic/04/pdf/preston004.pdf](http://www.theirelandinstitute.com/republic/04/pdf/preston004.pdf)>.
- Storberg, Julia (2002). 'The Evolution of Capital Theory: A Critique of a Theory of Social Capital and Implications For HRD', *Human Resource Development Review*, Vol. 1.
- Weber, Max (1968). *Economy and Society: An Outline of Interpretive Sociology*, New York: Bedminster Press.
- Weininger, Elliot B. (2005). 'Foundations of Pierre Bourdieu's Class Analysis', in: E. O. Wright (ed.), *Approaches to Class Analysis*, Cambridge, UK: Cambridge University Press.